

جایگاه قلم در سیره پیامبر اسلام (ص)

اکبر حمیدزاده

در فضای رشد و بالندگی فکری و فرهنگی بشر، مهمترین ارزش راهبردی که به آن توجه شده است و همگان بر این اندیشه پای فشرده‌اند ارزش والای قلم است، هر چند که در بیان مصداق، معانی دیگری نیز از آن تداعی می‌کند، آن چنان که در مفاهیم دینی نیز آمده است. قلم صنع، قلم تقدیر، قلم سرنوشت و به اعتباری بعد از خدا، این قلم اوست که سرنوشت جهان و انسان را رقم می‌زند و هستی را در مسیر اراده خودش پیش می‌برد. **پیروما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوششش**

باد

آن چنان که پیامبر (ص) فرموده‌اند:

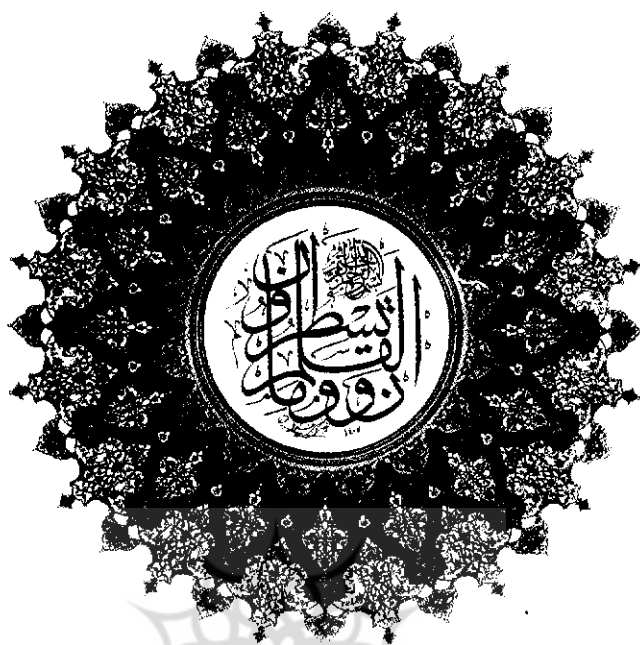
«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ»

اول چیزی که خداوند آفرید قلم بود.

و این از افتخارات قرآن کریم است که سوره‌ای به نام قلم دارد و بالاتر آن که قلم

را مورد سوگند قرار داده است، همان طور که دوات و مرکب را.





و نون - ن - در ابتدای سوره قلم، از حروف مقطعه قرآن کریم و از رموز وحیانی محسوب می‌شود که یک معنای آن به قرینه «وذالنون اذذهب مفاضباً» ماهی است همان طور که در داستان یونس پیامبر آمده است. و معنای دیگر آن دوات و مرکب است، هرچند که بعضی‌ها حرف زایدش پنداشته‌اند، در حالی که حرف زایدی در قرآن وجود ندارد. و آن جایی که راه توجیه علمی، ادبی بسته می‌شود چنین برداشت‌هایی رونق می‌گیرد.

این زیباترین و مترقی‌ترین آموزه وحیانی به بشر می‌باشد که در مقدس‌ترین جلوه‌های ربانی، دوات و قلم و یا مرکب و قلم را مورد توجه قرار داده است، ذکر دوات و قلم در کتاب خدا و نام‌گذاری یک سوره به نام قلم، ترجمان اهمیت این نعمت بزرگ و تاثیر گذار بودن آن در سرنوشت بشریت است و مهمتر از یادآوری آن، قسم خوردن به آن می‌باشد که به تعبیر طنطاوی در تفسیر الجواهر فی القران، قرآن کریم چهل قسم دارد که ۲۰ قسم به علویان و جهان بالا مربوط می‌شود و ۲۰ قسم دیگر در رابطه با تعلیمات وحیانی مادی بشر است و یکی از این قسم‌ها که به اعتقاد



ما هم جنبه علوی دارد، و هم راز و رمز رشد و بالندگی بشر به سوی جهان بالاست، سوگندی است که در آن جا سوره قلم آمده است تا اهمیت و ارزش تاثیر گذار قلم را در سرنوشت بشر مورد تاکید قرار دهد. همان طور که در نخستین جلوه‌های وحیانی نیز مورد عنایت قرار گرفته‌اند، آیات ابتدایی سوره علق، اولین آیاتی هستند که در قلب مطهر و مقدس نبی اکرم (ص) نقش بسته‌اند، آیاتی که با کلید واژه‌های رحمان، رحیم، خواندن، نام خدا را بردن، آفرینش، خلقت انسان، علم، قلم و جبهل ستیزی زینت یافته‌اند.

آیه اول که «بسم ... الرحمن الرحیم» می‌باشد شعار مهربانی و دو اسم از اسمای حسناى خداوند، که یکی ترجمان رحمت هستی مشمول حضرت حق - رحمان است و دیگری لطف خاص و عنایت ویژه پروردگار به مومنان را در اسم مبارک - رحیم - نشان می‌دهد، که هر دو صفت رحمان و رحیم مجرای فیض ربوبی به آفریده‌ها می‌باشند که جریان قلم صنع و خطپوش حضرت حق از همان راه می‌گذرد. کلمه - اِقرء - بخوان فراخوان خداوند به یافته‌های قلم است و خواندن، ره آورد نوشتن است و دعوت به خواندن، دعوت به فرایند کار قلم می‌باشد. القاء امین وحی به پیامبر که بخواند، هر چند که در نوشته‌ای پیش روی حضرت نباشد، که خواندن به معنای مطرح آن را نمی‌دانست، آن چنان که قلمزدن را نیز یاد نداشت، منافاتی بر نوشتار بودن آیات ندارد که طبق احادیث، به قلم مشیت پروردگار بر لوح محفوظ و یا صفحه جان پیامبر نگاشته شده بود و کلمه خواندن همین معنا را تداعی می‌کند!

پیامبر در اولین گام بعثت، مامور به خواندن می‌شود، و تفاوتی که این قرائت با خواندن دیگر آن دارد تیمن و تبرک خواندن به نام خداوند است، که رمز توحید را در نوشتار و گفتار وحیانی بیان می‌کند.

توجه دادن به کتاب آفرینش، که نقش و نگار حضرت پروردگار است و عنایت ویژه به آفرینش انسان که نغزترین و شگفت‌انگیزترین آیه خداوند و زیباترین جلوه صنع قلم آفرینش می‌باشد، نکته مهم دیگری است که در این سوره آمده است و گستردگی میدان قلم را که به وسعت جهان خلقت است نشان می‌دهد و جالبتر آن که این انسان با همه عظمتی که دارد و از فرش تا عرش می‌تواند به پرواز در آید



از خون بسته‌های آفریده شده است، که در نگاه اول نمودی ندارد بلکه موجب گریز و نفرت می‌شود ولی در ادامه راه آئینه تمام نمای حضرت حق می‌گردد و در شکل انسان کامل، اسامی حسناى ذات مقدس ربوبی را بازتاب می‌دهد. و صلاحیت پذیرش آیات الهی را پیدا می‌کند تکرار کلمه بخوان، فصل دیگری از کرامت و بزرگی خداوند را متذکر می‌شود که ارزانی داشتن دانایی و معرفت به وسیله قلم است، که در این بیان، قلم ترجمان اکرمیت خدا معرفی می‌گردد که با استفاده از آن انسان را در جهان ناشناخته حیات به پیش می‌برد و بهره‌وری از نعمت قلم، مراتب علم و آگاهی را تسخیر می‌کند؟

« اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ »

همان طور که مشاهده می‌فرمائید، سوگند خوردن به دوات و قلم و آثار قلمی ارزشمند در سوره قلم، و یادآوری ارزش و ولایتی آن که در رهگذر کرامت خداوندی قداست یافته است، بلندترین نگاه و نغمه طرب‌انگیز وحی در پاسداشت آگاهی و معرفت است که در پرتو نعمت قلم، در بستر حیات طیبه بشری جریان یافته است. کتاب دین با قلم پروردگار نگاشته شده و پرونده اعمال انسان‌ها به تناسب توجه به آن شکل می‌گیرد و آن چنان که آثار قلم صنع خداوندی در تکوین و تشریح، تفسیر و تفصیل دین را می‌نمایاند، پرونده‌ها یا کتاب رفتار بشری را گشوده و قلم‌های قلمداران ناپیدا، پیوسته در نگارش و کتابت هستند. علی (ع) می‌فرماید:

« وَالصَّحْفُ مَنْشُورَةٌ وَالْاَقْلَامُ جَارِيَةٌ »

پرونده‌ها گشوده و قلم‌ها در کارند، تا میزان تبعیت و بهره‌وری انسان‌ها را از کتاب تکلیف مشخص سازند.

اسلحه قلم در کارزار با سپاه جهل

زندگی بشری از حیات انسانی متفاوت است به این دلیل که بشر با انسان تفاوت



دارد، خوردن، خفتن، تغذیه، عکس‌العمل در مقابل دشمن، توالد و تناسل، مراتبی از ادراکات، همان چیزهایی هستند که در نوع جانداران با شدت و ضعف مراتب، مشاهده می‌شوند و از خصوصیات بشری نیز به حساب می‌آیند. و حال آن که انسان علاوه بر این‌ها احساسات انسانی دارد، از گوهر خود برخوردار است و از عقلانیت طبیعی و اکتسابی سود می‌برد و مهمتر از همه آن که روح او از جنس خداست و در رهگذر وظیفه‌شناسی و تعهد می‌تواند از زندان من بشری و طبیعی خویش آزاد گردد و راهی به سوی خدائی شدن پیدا کند و برای رسیدن به این معنا راهی جز طریق معرفت ندارد، علی (ع) خطاب به کمیل می‌فرماید:

« ما من حركة الا و انت محتاج فيها الى معرفة »

هیچ حرکتی وجود ندارد مگر این که آدمی در انجام آن به معرفت نیازمند است.

و رسیدن به خدا و یا تعالی در مسیر انسانیت بیش از هر چیزی به آگاهی و معرفت نیازمند است، همان گوهر پر بهائی که تمام پیامبران الهی در همان راستا مبعوث شده‌اند و کار خودشان را از تلاوت آیات خداوند و تزکیه و تعلیم آغاز کرده‌اند، تا چراغ آگاهی و معرفت را فرا راه بشریت روشن ساخته و ایشان را به رشد انسان رهنمون کردند، و مهمترین و اساسی‌ترین مانع بالندگی انسان جهل و نادانی بشر است که با استفاده از دو وسیله که در اختیار بشر گذاشته شده است صورت می‌گیرد.

یکی از آن دو وسیله بیان و دیگری قلم است که هر یک به نوعی پرده از اندیشه‌های آدمی بر می‌دارند و ذهنیت پنهان او را آشکار می‌کنند، هر دو رسالت واحدی دارند که اگر از حاکمیت هوا و هوس آزاد باشند، روشنگر و هدایتگر خواهند بود. و گرنه مانند عقلی که در پرتو حاکمیت شهوات تغییر ماهیت می‌دهد و از رسالت خود دور می‌افتد و به ابزار شیطننت و گمراهی مبدل می‌گردد، بیان و قلم نیز اگر از صراط مستقیم حق منحرف شوند ویرانگر و تباهی آفرین خواهند بود.



آن چنان که در عصر حاضر بعضی از قلم‌ها به شکل کلنگ درآمده‌اند، به جای ساختن ویران می‌کنند و به جای آگاهی بخشیدن بر دامنه جهل و نادانی بشر می‌افزایند، و از آن جایی که معنای بیان، روشن کردن است و قلم و بیان هر دو یک مسئولیت را بر دوش می‌کشند و آن روشنی‌بخشی در آگاهی‌دهی به فرزندان بشر است در حدیث نبوی آمده است:

«البیان اثنان، بیان اللسان، و بیان البیان، و بیان السان تدرسه الاعوام و بیان الاقلام
باق عل مر الایام»

روشنگری از دو راه صورت می‌گیرد، یکی از راه بیان و گفتاری که روشنگر است و دیگری از راه انگشتان دست که قلم را چونان مشعلی فروزان در تاریکی‌های جهل و نادانی به پیش می‌برد رسالت زبان در رهگذر گفتار به مرور ایام به فراموشی سپرده شده از خاطره‌ها محو می‌گردد و در گذرگاه زمان گم می‌شود ولی اثر روشنگر قلم در صفحه تاریخ بشری باقی می‌ماند و با سپری شدن ماه و سال چیزی از جاودانگی آن کاسته نمی‌شود.

از بعضی از حکما نقل کرده‌اند:

«قوام امور الدین و الدنيا بشیین القلم و السیف و السیف تحت القلم»

بایداری امور مادی و معنوی مردم به دو چیز بستگی دارد یکی قلم و دیگری شمشیر است و شمشیر تحت حاکمیت قلم عمل می‌کند.

تامین امنیت اجتماعی و انسانی در گرو استفاده از قوه قهریه و قدرت قلم میسر است ولی برای این که شمشیر جنایت نکند، ارباب ننماید، خون بی‌گناهی را نریزد، حاکمیت جهل و زمامدار خودسری را تقویت نکند، باید زیر نظر قلم عمل نماید. تا مسئولیت روشنگری خویش را ایفا نماید. آن چنان که شمشیر مجاهدان راه خدا بیش و پیش از آن که برنده باشد، روشنگر و هدایتگر است.



« و حملوا بصائرهم علی اسیافهم »

ایشان در سایه برق شمشیر و تیزی نیزه‌هایشان اندیشه‌هایشان را حمل می‌کردند.

یعنی کورکورانه به جنگ نمی‌رفتند، شعا را مامور معذور نمی‌دادند به انگیزه انجام یک رسالت بزرگ که روشنگری و جهل ستیزی بود به میدان جنگ وارد می‌شدند. و این افتخار انسان‌های خداپاوری است که در رکاب پیامبر و علی (ع) شمشیر می‌زدند و با شمشیر کار قلم را می‌کردند همان‌طور که اگر قلمدار اهل منطق نباشد در برقراری تعامل انسانی و اخلاقی با مخاطب در مانده شود از قلم چون شمشیر استفاده کرده و دل و دماغ فرد و جامعه را نشانه می‌رود و با هر کلمه‌ای که می‌نویسد قطره خون مظلومی را بر زمین می‌ریزد، به همین دلیل فرموده‌اند:

« من حق القلم علی من اخذه اذا كتب ان یبدا بسم الله الرحمن الرحیم »

از جمله حقوق قلم بر قلم‌دار این است که به هنگام نوشتن و استفاده از سلاح قلم به نام خدا و به رنگ رحمت بنویسد
همان‌گونه که خواندن اگر بنام خدا باشد مثبت و قابل اعتماد خواهد بود، نوشتار نیز اگر صبغه الهی داشته باشد و نام خدا و رنگ خدا در آن یافت شود، ارزشمند و الهی خواهد بود.

نعمت بزرگ قلم

عبدا... بن عمر می‌گوید:

در محضر پیامبر بودم به حضرت عرض کردم، لازمه حفظ احادیث و فرمایشاتی که از شما می‌شنوم نوشتن است و من ناچار از قلمی کردن آن‌ها هستم برای این که فراموشم نشود، حضرت فرمود: اشکالی ندارد، بنویسید چرا که خداوند به وسیله قلم بود که نعمت بزرگ دانش را به بشریت ارزانی داشت و آن گاه فرمود:



« و القلم من ... نعمه عظمه و لولا القلم لم يستقم الملك و الدين و لم يكن عيش صالح »

قلم از نعمت های بزرگ خداوند است و اگر قلم نبود نه حاکمیت و مدیریتی شکل می گرفت و نه دین و آئینی به سامان می رسید و نه زندگی گوارائی به وجود می آمد.

در این حدیث شریف سه نکته بسیار مهم مورد اشاره قرار گرفته است که نقش تعیین کننده قلم و آثار قلمی را نشان می دهد. و نگاه بلند سیره نبوی را به اهمیت قلم می نمایاند. حکومت و نظام اجتماعی، سیاسی شایسته، پژوهاک مدنیت است و مدنیت ساخته آگاهی و فهم مردم است و این مهم پرداخته قلم و نویسندگان است، بنابراین تمام مظاهر مدنیت مدیون اندیشه و قلم می باشد و نقش صاحبان قلم و اندیشه در سر نوشت جوامع و نظام هایی که شکل گرفته اند غیر قابل انکار است و این که مطبوعات در فرهنگ سیاسی مشروطه رکن چهارم به حساب آمده است خود ترجمان این اندیشه می باشد و این که در جوامع پیشرفته، صاحبان قلم علمداران آگاهی و پیشگامان قافله تمدن بشری شناخته شده اند نه اغراق و نه گزافه گویی، بلکه واقعیتی است که در تاریخ بشری نقش بسته است و عظمت نعمت قلم از همین جا معلوم می شود.

علی بن ابراهیم در تفسیر آیات اول سوره علق، آیه «اقراء و ربك الاكرام الذی علم بالقلم» بخوان و پروردگار تو کریمترین است، خدایی که به وسیله قلم، روشنایی علم را به بشریت ارزانی داشته است می گوید:

یعنی علم الناس الكتابه، التي تتم بها امور الدنيا و الآخرة في مشارق الارض و مغاربها»

با استفاده از قلم، هنر کتابت و نوشتن را به انسان ها آموخت نعمتی که امور دین



و دنیا با آن تکمیل می‌گردد و تمام جهانیان به آن احتیاج دارند.

و در بررسی لایه‌های تمدن بشری و عواملی که در پیشرفت آن تاثیر گذار بوده‌اند نقش علم و قلم پررنگ‌ترین است، و به فرموده امام صادق (ع) «القلب يتكل على الكتابه» دل به نوشته اعتماد می‌کند و با تکیه بر نوشتار که آیینه قلم است راه زندگی و حیات پاکیزه را پیدا می‌کند، آن چنان که در مسائل حقوقی نوشته و هر جا که قلم حضور فعال داشته است به رسمیت شناخته می‌شود، در تمام ابعاد تمدن بشری آثار قلمی و نوشته‌های پیشینیان اعتبار یک فرهنگ را می‌نمایاند.

و لذا امام صادق (ع) خطاب به مفضل بن عمر که از شاگردان ممتاز آن حضرت می‌باشد فرمود:

« اکتب و بک علمک فی خوانک فان مت فاورث کتیک بینیک فانه یأتی علی الناس زمان هرج الا یانسون الا بکتیبهم»

بنویس و دانش خودت را با بهره‌وری از قلم از جمع برادرانت بگستران و اگر هم از دنیا رفتی سرمایه بزرگ قلمی و نوشته‌هایت را برای فرزندان به یادگار بگذار، چرا که روزگاران بهم ریخته‌ای برای مردم در پیش است که تنها با کتاب‌ها و نوشته‌هایشان انس خواهند گرفت.

بر این اساس ملک و مملکت‌داری و مدیریت صحیح اجتماعی پشتوانه‌ای به عظمت قلم ندارد، آن چنان که قلم‌های هرزه و سرسپرده، بیشترین و موثرترین تاثیر تقویتی را در رابطه با حکومت‌های فاسد و حاکمان خودکامه داشته‌اند و یا در تزلزل پایه‌های حکومت عدل و دادگستر و مردمی‌ایفای نقش کرده‌اند، و نوع برخوردی هم که کانون‌های قدرت در رابطه با اهل قلم داشته‌اند و در صورتی که با استفاده از تهدید و تطمیع به جایی نرسیده‌اند با بهره‌وری از تیغ ستم حلقوم‌ها را بریده و یا این که قلم‌ها را شکسته‌اند. سرنوشت صور اسرافیل از روزنامه‌های صدر مشروطیت، که به مدیریت میرزا جهانگیر خان شیرازی، علی‌اکبر دهخدا و میرزا ابوالقاسم تبریزی با مخالفین مشروطه مبارزه می‌کردند و با محمد علی شاه نیز در



نبرد بودند به کجا انجامید؟!

شماره اول آن روز پنجشنبه هفدهم ربیع الثانی سال یک هزار و سیصد و بیست و پنج هـ. ق و آخرین شماره‌اش با رقم ۳۲ در بیست و یکم جمادی‌الاولی درست ۲۶ روز پیش از بمباران مجلس و چهار روز قبل از اعدام مدیر آن تعطیل شد! در حالی که ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا دم از حق و قانون می‌زدند! صرفاً به این دلیل که نوک پیکان صورا سرافیل متوجه کانون های قدرت، به ویژه کسانی بود که شعار چه فرمان یزدان چه فرمان شاه می‌دادند! در شماره ۲۵ آن دهخدا نوشت:

«اگر کارهای ما، همه‌اش را باید تقدیر درست کند و امور ما را باید باطن شریعت اصلاح نماید و اعمال ما را دست غیبی نظام بخشد، پس شما رئیس ها، آقاها، بزرگترها از جهان ما بیچاره‌ها چه می‌خواهید...؟»

در سوم تیر ماه ۸۷ ش محسن صدرالاشراف که چندین دوره نخست وزیر، وزیر دادگستری، و یک دوره هم رئیس مجلس سنا بود به عنوان رئیس دادگاه احکامی را صادر کرد و قلم داران قلندری چون میرزا جهانگیرخان، ملک المتکلمین و مدیر روح القدس را که ۳۴ ساله بود به طناب دار سپرد تا از نیش قلم روشنگر آنان که افشاگرانه قلم می‌زدند در امان بمانند.

میرزاده عشقی مدیر روزنامه قرن بیستم در ۳۱ سالگی و به دستور رضاخان از پای در آمد!

فرخی یزدی به دلیل استبداد ستیزی و نیش قلم و افشاگری بر علیه خودکامه‌گان دهانش دوخته و زبانش بریده شد و در مسلخ استبداد به قربانگاه رفت!

رسالت شیطانی پزشکی احمدی و تزریق آمپول هوا در شریان های احرار صاحب قلم، ترور محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز، درست روبروی وزارت فرهنگ، قتل کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش، کشتن دکتر حسین فاطمی، مدیر روزنامه باختر امروز و در همین راستا، حوادثی که یکی از پس از دیگری اتفاق افتاده‌اند و یا فیچی سانسوری که چونان گیوتین بر شاه‌رگ قلم و آثار قلمی سایه انداخته و اختناق را از بیان تا بنان توسعه داده‌اند و تاریخ معاصر ایران را به قربانگاه



پیام داران عرصه نگارش مبدل ساخته‌اند موقعیت خطیر و تاثیرگذار قلم را نشان می‌دهد!

فرخی یزدی می‌گوید:

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت

آری نداشت غم، که غم بیش و کم نداشت

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم

هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

انصاف و عقل داشت موافق بسی ولی

چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

پیامبر عظیم الشان اسلام در فضای پر ظلمت جاهلیت، کتاب را برای بشریت به ارمغان می‌آورد که برای مردم بخواند، و علم و قلم را شعار خود قرار می‌دهد، بیان عالمان و اندیشمندان را می‌ستاید، همگان را به جهل ستیزی فرا می‌خواند و جهادبیان و بنان را در توسعه معرفت بشری برترین‌ها معرفی می‌کند. ■

منابع:

- ۱- تفسیر روح البیان ج ۱۰ ص ۱۰۲ چاپ بیروت کافی ۸ ص ۹۴
- ۲- و ما کنت قتلوا من قبله من کتاب و لاتخطه بیمینک. سوره عنکبوت آیه ۴۸.
- ۳- آیات اول سوره علق
- ۴- نهج البلاغه خطبه ۹۴
- ۵- سفینه النجاه ماده قلم
- ۶- روح البیان ج ۱۰ ص ۱۰۲ چاپ بیروت
- ۷- مستدرک ۹ ص ۲۰ - ۱۰۰
- ۸- مستدرک ۱۵ ص ۳۴۳.
- ۹- کافی ج ۱ ص ۵۲

